

نگاهی به موقعیت شهروندان کرد در سوریه، عراق و ترکیه

قمار بزرگ آمریکا و روسیه بر سر کردها

احمد مرجانی‌نژاد، پژوهشگر



این روزها واهمه تقسیم و به نوعی قربانی‌شدن «اکراد» منطقه در بازی بزرگ آمریکا- روسیه وجود دارد. غرب با بهره‌مندی از ترکیه و ناتو و همچنین روسپه در راستای راهبرد منافع بین‌المللی و منطقه‌ای، در پی کسب امتیاز عامل کردی هستند. در مناطق کردنشین منطقه با القایی مانند خودمختاری، قدراتیو، کانتون و... گویا تجزیه و ترسیم نقشه‌های کردستان‌های جدید مدنظر است. وقتی از «هنری کسینجر» درباره تأثیر ساقط‌شدن جنگنده روسیه به وسیله ترکیه در روابط دو قدرت جهانی سؤال شد، او مسئله را بی‌تأثیر و بی‌اهمیت خواند و گفت: «قدرت‌های بزرگ باید به دنبال اهداف بازی بزرگ و منافع مشترک باشند». درحالی‌که از سویی اهداف طرح آمریکایی برای تجزیه منطقه که از «جو بایدن»، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا به عنوان طراح و مجری اصلی آن یاد می‌کنند، امری پنهان نیست و با گذشت زمان اهداف و ابعاد آن هر چه بیشتر آشکار می‌شود؛ از سوی دیگر «سرگنی لاوروف»، وزیر خارجه روسیه در سخنان اخیر خود از احتمال برگزاری همه‌پرسی استقلال در اقلیم کردستان عراق حمایت کرد و آن را حق کردها دانست. در این راستا، خبرگزاری روسی «اسپوتنیک» نیز از آغاز همکاری‌های روسیه و حزب اتحاد دموکرات سوریه» خبر داد و از این همکاری‌ها به عنوان کابوسی برای «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه نام برد. همچنین خبرگزاری «ایترناس» دیگر رسانه روسی به نقل از دولت روسیه اعلام کرد دفتر نمایندگی معارضان کرد سوری، در مسکو افتتاح می‌شود، اما خلاف مطالبه رژیم اسرائیل و چراغ سبز آمریکا، بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا و نیز کشورهای منطقه از مخالفان جدی تغییر نقشه جغرافیایی در منطقه هستند.

کردهای سوری

درباره وضعیت کردهای سوریه دیدگاه‌ها و تحلیل‌های مختلفی از سوی کارشناسان ارائه شده است. از دیدگاه «مونتولو چوپوراوغلو»، کارشناس مسائل کردها در آمریکا، کردهای سوریه تلاش می‌کنند مناطق کردنشین سوریه را به هم متصل کنند. اولویت اصلی «یگان‌های مدافع خلق کرد،» ی‌پ‌گ (YPG) با توجه به وضعیت بحرانی «غفرین»، اتصال این کانتون کردنشین به «کوبانی» است. البته امکان دارد آنان بدون حمایت آمریکا هم دست به این حمله بزنند.

اما «وزر»، پژوهشگر مرکز «برنامه‌های آمریکا» مدعی است احتمال حمایت آمریکا از حمله یگان‌های مدافع خلق به غفرین، خلاف حمایت این کشور از کردها در کوبانی، کم است؛ زیرا آمریکا اولاً موافق گسترش قلمرو نیروهای کرد نیست و ثانیاً درصدد است با حمایت آنان در مناطق دیگر سوریه به مقابله با گروه تروریستی «داعش» بپردازند. «ماکس هافمن»، از دیگر کارشناسان این مرکز نیز می‌گوید: «آمریکا از اینکه کردها بتوانند آخرین محدوده دسترسی داعش به ترکیه را قطع کنند، خوشحال خواهد شد، اما با توجه به نیازش به پایگاه «انجیرلیک» ترکیه برای انجام حملات هوایی و نیز ناخرسندی ترکیه از تحکرات کردهای سوریه، ممکن است در حمایت از این حمله کردها (اتصال غفرین-کوبانی) روی خوشی به آنها نشان ندهد. ترکیه خواهان رهایی از دست داعش در این محدوده است، اما نمی‌خواهد که کردها امنیت این منطقه را در دست گرفته و داعش را به عقب برانند. با اینکه گذشتن نیروهای کرد سوری از رود فرات، عبور از خط قرمز ترکیه محسوب خواهد شد، اما این احتمال نیز وجود دارد که آمریکا آنان را یاری کند؛ زیرا قبلاً هم این کار را کرده است. واکنش احتمالی ترکیه به عملیات کردها در کانتون غفرین ممکن است حتی منجر به مبارارن و گلوله‌باران مواضع یگان‌های مدافع خلق شود. «برت مک‌گورک»، نماینده رئیس‌جمهوری آمریکا در ائتلاف به اصطلاح ضدداعش که سپتامبر سال گذشته به بهانه مقابله با داعش شکل گرفت، ماه فوریه وارد شهر کردنشین «عب‌العرب» سوریه در مرز ترکیه شد که کردها از آن به عنوان «کوبانی» یاد می‌کنند. او ضمن دیدار با مسئولان و فرماندهان کانتون‌های کردی در منطقه از «خودمختاری» مناطق کردنشین سوریه استقبال کرد و گفت: «وضعیتی که شما در خودمختاری دارید حق شماست؛ زیرا شما با گروه افراطی داعش مبارزه کردید و آنها را از این مناطق بیرون راندید. سوریه در آینده کشوری دموکراتیک خواهد بود و به حقوق ملت کرد احترام خواهد گذاشت.» ^۱ نماینده «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا در پاسخ به اعتراضات کردها برای اخراج حزب اتحاد

آنچه عقلانیت نوع‌ثمنانیم از آن رنج می‌برد،

جاذبیت سیاسی کشورگشایی و ماجراجویی در نظام بین‌الملل است؛ ماجراجویی‌ای که از سطح داخلی آغاز و امروز به بازیگری بین‌المللی تبدیل شده است. سرکوب‌های چندماه اخیر شهروندان کرد به دستور حزب «عدالت و توسعه» توسط پلیس و ارتش ترکیه به بهانه مبارزه با حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) و حمایت‌های آشکار این حزب از خط سلفیت تندرو جهادی در منطقه مصداق بارز سراسیمگی سیاسی است؛ سراسیمگی‌ای که از موضوع سیاسی گذشته و موجب به‌وجودآمدن نیروهای رادیکالی در جغرافیای جنگی عراق و سوریه شده است. از طرفی بن‌بست سیاسی در داخل این کشور و پیروی از اصول مائیکالیستی در سرکوب معترضان

دموکراتیک از مذاکرات ژنو گفت: «این نشست‌های اولیه، صوری است و برای آتش‌بس میان نظام سوریه و معارضان برگزار می‌شوند. اما حزب اتحاد دموکراتیک در نشست‌های آینده به عنوان طرف اصلی در مذاکرات حضور خواهد داشت.» ^۲ همچنین «استفان دی میستورا» فرستاده ویژه سازمان ملل در امور سوریه، با تأکید بر لزوم پایان درگیری‌های نظامی در سوریه تصریح کرد: «درحال‌حاضر می‌توان گفت آمریکا و روسیه منافع خود را در پایان جنگ در سوریه می‌بینند». در رابطه با تحولات اخیر، «جان کربی»، سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده نیز گفته است: «کشورش یگان‌های مدافع خلق ی‌پ‌گ (YPG)، شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک پ‌ی‌د (PYD) را که مناطق شمالی سوریه را تحت کنترل خود دارد، یک سازمان تروریستی به شمار نمی‌آورد و به حمایت از این گروه نظامی ادامه می‌دهد. از نگرانی‌های ترکیه درباره یگان‌های مدافع خلق آگاه هستیم، اما این گروه یکی از موفق‌ترین نیروها در نبرد علیه داعش است و کردهای سوریه در نبرد با داعش شریک ما هستند». پس از اقدامات و اظهارات مقام‌های آمریکایی، «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه گفت: «ایالات متحده باید تصمیم بگیرد و انتخاب کند چه کسی شریک منطقه‌ای آن است؛ ترکیه با تروریست‌های سوریه؟ ایالات متحده آمریکا باید یگان‌های مدافع خلق را یک گروه تروریستی قلمداد کند.» ^۳

کردهای عراقی

«مسعود بارزانی»، رئیس اقلیم کردستان، با انتشار بیانیه‌ای خواستار برگزاری یک referendum غیرالزام‌آور برای اعلام استقلال اقلیم کردستان شده است. «استفان کوگ»، پژوهشگر ارشد مؤسسه مشاواره روابط خارجی، در مصاحبه‌ای گفت: «فشارهای اقتصادی در تصمیم مسعود بارزانی تأثیر داشته است. دولت اقلیم کردستان عراق به علت کاهش قیمت نفت و

 	آمریکایی‌ها در راستای تحقق اهداف منطقه‌ای خود و نهایی‌کردن پروژه تجزیه منطقه، از کردها در عراق و سوریه حمایت و آنان را تسلیح کردند. شاید بتوان گفت مواضع ابهام‌آمیز روس‌ها در قبال کردها در عراق و سوریه با هدف نزدیک‌ترشدن مسکو به کردها برای کاهش نفوذ آمریکایی‌ها در میان کردها انجام می‌شود تا روس‌ها بتوانند در وزن‌کشی‌های آینده منطقه انحصار نفوذ آمریکایی‌ها را بشکنند	
---	--	---

تنش با بغداد بر سر بودجه، با بحران جدی اقتصادی روبه‌روست. مسئله رفراندوم را می‌توان ابزاری برای گرفتن پول از بغداد توصیف کرد. شاید بارزانی می‌خواسته به آمریکا بگوید کردها برای تشکیل دولت نیازی ندارند از آمریکا اجازه بگیرند». ^۴ بارزانی از رابطه مثبت با آنکارا نیز سود می‌برد و این در حالی است که رئیس‌جمهوری و دولت حزب «عدالت و توسعه» ترکیه آماده تعامل با کردستان مستقل در عراق است، اما با کردهای سوریه مشکل دارند و به قلع‌وقمع اعضا و طرفداران حزب کارگران کردستان موسوم به «پ‌ک‌ک» می‌پردازند. روزنامه آمریکایی «نیویورک‌تایمز» می‌نویسد مقامات عراقی و آمریکایی که عملیات نظامی علیه داعش را هدایت می‌کنند، باید به مبارزه با چالش‌یی بروند که پتانسیل لازم برای تغییر شرایط میدان جنگ را دارد و آن سقوط قیمت نفت است. اکنون دولت نیمه‌خودمختار اقلیم کردستان، ۱۸ میلیارد دلار بدهی دارد که آن را در پرداخت حقوق کارکنان دولت و نیروهای امنیتی ناتوان ساخته است. مقامات عراقی در سال گذشته وامی ۱۰۷ میلیارد دلاری از بانک جهانی دریافت کردند. بغداد همچنین به‌دنبال دریافت وام ۲۰۷ میلیارد دلاری از ایالات متحده برای تأمین تجهیزات نظامی است. اما «راشد صالحی»، رئیس جبهه ترکمانی عراق، باور دیگری دارد و می‌گوید: «موضوع تأسیس کشور مستقل کرد همه‌ساله به دلیل بروز بحران‌هایی بین احزاب کردستانی مطرح می‌شود. اما هیچ‌گونه تحرکی در این راستا صورت نمی‌گیرد، چراکه برخی از احزاب با تأسیس چنین کشوری مخالفت می‌کند، با این‌حال اگر کشور مستقلی برای کردها در عراق تأسیس شود، ترکمان‌ها همچنان در عراقی متحد و یکپارچه باقی خواهند ماند، اما تبدیل استان کرکوک را به اقلیم و تبدیل شهر «دوزخ‌ورمانو» را به استان

سراسیمگی سیاسی آقای رئیس‌جمهور

افشین غلامی

غیرنظامی به‌وسیله سنگین‌ترین ادوات نظامی از قبیل تانک و هلیکوپتر در پیش چشم رسانه‌های جهان و سوی دیگر، تجهیز نظامی و بازگشایی مرزها روی جهادین و همچنین توپ‌باران مناطق مرزی سوریه حاکی از آن است که کنش سیاسی سردمداران حزب عدالت و توسعه و شخص «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه، از بی‌بروایی سیاسی گذشته است. نقض حاکمیت ملی عراق و سوریه و ورود نظامی و توپ‌باران عمق چندکیلومتری خاک این دو کشور به بهانه مبارزه با تروریسم در حالی است که مشاهدات مستند ناظران

خواستار خواهند شد. در صورت ادامه سیاست به‌حاشیه‌راندن ترکمان‌ها از سوی دولت مرکزی، درخواست ترکمان‌ها مانند کردها، تأسیس یک کشور مستقل ترکمانی خواهد بود.

جنگ نیابتی بر سر کردها

از زمان آغاز تحولات منطقه، آمریکایی‌ها در راستای تحقق اهداف منطقه‌ای خود و نهایی‌کردن پروژه تجزیه منطقه، از کردها در عراق و سوریه حمایت و آنان را تسلیح کردند. شاید بتوان گفت مواضع ابهام‌آمیز روس‌ها در قبال کردها در عراق و سوریه با هدف نزدیک‌ترشدن مسکو به کردها برای کاهش نفوذ آمریکایی‌ها در میان کردها انجام می‌شود تا روس‌ها بتوانند در وزن‌کشی‌های آینده منطقه انحصار نفوذ آمریکایی‌ها در میان کردها را بشکنند و سهم خود را ببرند. مسلمان در تحقق اهداف سناریوی یادشده، دو مانع عمده؛ یعنی ترکیه و ایران وجود دارند که در صورت تحقق اهداف شوم سلطه، این دو قدرت منطقه‌ای نیز می‌توانند مورد تهدید و موضوع تغییر باشند. ترکیه از سویی متحد کلیدی آمریکاست و از سویی به عنوان قدرت منطقه‌ای، بیشترین جمعیت کرد را دارد که هرگونه تغییر در وضعیت کردهای سوریه و عراق می‌تواند تأثیرات مستقیمی در داخل این کشور داشته باشد. در حالی‌که آنکارا همواره از آرمان ناسیونالیستی کردها در درون مرزهای خود جلوگیری می‌کند، اما اکنون فقط از آرمان‌ها و احساسات ناسیونالیستی کردها در عراق و سوریه، در راستای منافع منطقه‌ای خود حمایت می‌کند. با همه خطرات منطقه‌ای، در اتحاد عملی ترکیه- کردستان عراق گویا «هلال جدیدی» در حال شکل‌گیری است. البته روابط حسنه کنونی میان کردهای عراق و دولت حزب عدالت و توسعه ترکیه، هرچند ممکن است به استقلال فوری و آشکار کردها منجر نشود، اما در خاورمیانه جدید مدنظر غرب، مرزهای کردی-عربی به واقعیت نزدیک‌تر خواهند شد تا مرزهای ترکی-کردی.

نتیجه‌گیری:

هم‌زمانی اظهارات تحریک‌آمیز نماینده کاخ سفید درباره کردها و نیز دادن مجوز افتتاح دفتر معارضان کرد سوری در مسکو توسط روسیه، می‌تواند حاوی پیام‌های خطرناکی باشد. اگرچه حمایت روس‌ها از کردهای سوری و توصیه به شرکت آنان در مذاکرات اولاً در راستای ایجاد شکاف بین آنکارا-واشنگتن است، ثانیاً باعث می‌شود آمریکایی‌ها در شرایط سختی قرار بگیرند، چراکه اگر مخالفت کنند باعث کاهش اعتماد کردها به واشنگتن می‌شود و اگر موافقت کنند، نوعی خط قرمز آنکارا را نقض کرده‌اند. این‌گونه به نظر می‌رسد که برخی اختلاف‌نظرهای تهران- آنکارا درباره مسائل منطقه و در راستای دفع شرارت‌های تحریک و تقسیم مناطق کردنشین باشد، اما دستگاه‌های دیپلماسی و امنیتی کشورهای ایران- ترکیه- عراق-سوریه باید با نگاهی عمیق‌تر به حوادث جاری بنگرند و با هوشیاری تدابیر پیشگیرانه و به موقع را اتخاذ کنند، چراکه همکاری و هم‌سویی آنان در قبال توطئه بازی بزرگ ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تهران و آنکارا با وجود گذشته رقابتی، دارای تمدن و فرهنگی غنی و نیز هبرانی متعهد و دانا، سیاستمدارانی عاقل و خردمند هستند که قادرند منافع اسلامی ملت‌های خود را حفظ کنند. بنابراین در دوران حساس کنونی، شهروندان کرد از مسئولان ایران و ترکیه انتظار دارند فراتر از روش‌های معمول و عرف دیپلماتیک عمل کنند. نباید فراموش کرد که اگر ذهن‌ها و قلب‌های مسلمانان از همدیگر جدا شوند، دیگر تمامیت ارضی- سرزمینی اهمیتی نخواهد داشت و فراموش نکنیم: سرزمین برای انسان هاست، نه انسان‌ها برای سرزمین. اگر امروز مسائل کردها به فوریت رفع و حل نشوند، در فردای بسیار زود جنگ‌سالاران غربی مدیریت و هدایت‌اکراد منطقه را در دست خواهند گرفت، مسلمانا وظیفه مسئولان به‌ویژه دستگاه‌های سیاسی دو کشور ترکیه و ایران، تعامل، گفت‌وگو و حل مشکلات فیما بین است.

منابع:

- روزنامه هافینگتون‌پست آمریکا و خبرگزاری گُردپرس
- خبرگزاری مهر
- روسیا‌الیوم
- دیلی صباح و خبرگزاری گُردپرس
- خبرگزاری کرپرس

منطقه‌ای با رفیقان را گرفته است. ترس از قدرت‌گیری کردها به پیش‌هانگی حزب «دموکراتیک خلق‌ها» در ترکیه و ایجاد سیستم خودمختاری در کردستان سوریه (روژآوا) و همچنین ورود روسیه به نبرد منطقه و تثبیت موقعیت استراتژیک دولت روسیه، فشار سیاسی شدیدی به حکومت ترکیه وارد کرده و این کشور را به هم‌جمانی با حامیان خط تندرو در منطقه بدل کرده است. جالب است دنیا می‌داند که ترکیه گذرگاه اصلی و پشتیبان واقعی گروهی مانند «داعش» است، اما فراقتنی‌ها و غوغاسالاری‌های نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور این کشور در مجامع بین‌المللی و مطلوبیت‌نمایی در موضوع تروریسم، هنوز نتوانسته است روی واقعی این حزب را نشان دهد.

یکشنبه • ۱۵ فروردین۱۳۹۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۴۹ • ۹

شرق روزنامه جهان

جهان

شی‌وارگی، پیشرفت تکنولوژی و افق‌های وضعیت پساسرمایه‌داری - صفحه ۱۰

فلسفه پراکسیس: مارکس، لوکاج و مکتب فرانکفورت - صفحه ۱۱

می‌خواهیم مستأجر نباشیم تا نشان دهیم مستحق نیستیم - صفحه ۱۲

نگاه

استالین؛ قهرمان تازه روسیه

الک لون . روزنامه‌نگار در مسکو

در مدرسه شماره ۵۸ در «پنزا» ناحیه‌ای مرکزی که هشت ساعت‌ونیم از مسکو فاصله دارد، دانش‌آموزان از استالین با لحنی ستایش‌آمیز صحبت می‌کنند. «ژنیا ویکتوروف» دانش‌آموز کلاس یازدهم به من می‌گوید: «او مرد بزرگی بود یک مرد منحصربه‌فرد در تاریخ». هم‌کلاسی او «امینا کورایف» دراین‌باره محتاط‌تر است و می‌گوید: «او به اندازه‌ای که که مخالفانش می‌گویند وحشتناک نبود». اما نظر آنها درباره میلیون‌ها ساکن شوروی که یا در دوران استالین کشته شدند یا به گولاگاه فرستاده شدند، چیست؟ «ژنیا» می‌گوید: «هیچ‌کس در آن دوره بدون دلیل سرکوب نشند». زمانی که از او درباره چگونگی به‌قتل‌رسیدن مخالفان سیاسی استالین می‌پرسم، او به من می‌گوید آنان «هزاران» نفر بودند و استدلال می‌کند پاک‌سازی‌های صورت‌گرفته به آن اندازه‌ای که رسانه‌ها دوست دارند با «بزرگ‌نمایی» بیان کنند، عظیم و غیرانسانی نبوده است. «الکساندر یاکوولف»، رئیس کمیسیون بازسازی و رسیدگی به امور قربانیان سرکوب سیاسی در دوران ریاست «بوریس یلتسین»، اما نظر دیگری دارد. او اعلام کرد ۱۵میلیون نفر در زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری دوران استالین جان خود را از دست دادند. اما امروز در روسیه دیدگاه رایج به رویکرد «ژنیا»، نزدیک‌تر است. نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند دیدگاه عمومی درباره استالین به‌تدریج بهبود یافته است؛ رهبری که زمام امور اتحاد جماهیر شوروی را از اواخر دهه ۲۰ میلادی تا زمان مرگش در سال ۱۹۵۳ میلادی برعهده داشت. نتایج نظرسنجی منتشرشده مرکز «لواد» در تاریخ یکم مارس در مسکو نشان می‌دهد بیش از ۴۰ درصد از شهروندان روسیه بر این باورند که دوران استالین بیش از آنکه بد باشند، خوب بوده است. این در حالی است که در سال ۲۰۱۲ میلادی فقط ۲۷ درصد چنین نظری داشته‌اند. نتایج ارزیابی سالانه «لواد» که در ژانویه سال ۲۰۱۵ میلادی منتشر شد، نشان می‌داد اکثریت روس‌ها (۵۲ درصد) گفته بودند استالین احتمالاً یا قطعاً نقش مثبتی در تاریخ روسیه ایفا کرده است. این دیدگاه ملایم در قبال استالین پس از به‌قدرت‌رسیدن «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، در سال ۱۹۹۹ میلادی افزایش یافته است. میراث استالین به توجیهی تاکتیکی برای دولت پوتین تبدیل شده است تا موضع خود را در قدرت تقویت کند. در دوران استالین «نظم» و اعتبار ملی مورد توجه قرار گرفته بودند. «لوگوکوف»، که ریاست پژوهش صورت‌گرفته درباره استالین را در آن مرکز نظرسنجی برعهده داشته است، می‌گوید: «با مطرح‌کردن چهره استالین، دولت پوتین سعی می‌کند تا این ایده را در افکار عمومی جا بیندازد که منافع جمعی مهم‌تر از منافع و حیات فردی است و این به آن معناست که رژیم سیاسی مسئولیت‌پذیری کمتری در قبال جامعه احساس می‌کند». در پنزا، حزب کمونیست، مرکزی را با عنوان مرکز استالین در ماه دسامبر افتتاح کرد، جایی که فقط چند اتاق داشت و چند عکس قدیمی و روزنامه و سالن سخنرانی‌ای که تصویر بزرگ استالین در آن نصب شده بود و یک مجسمه نیم‌تنه طلایی در مقابل ساختمان. این حال ساخت ساختمان‌هایی مشابه هر روز در حال افزایش است، در سال ۲۰۱۵ میلادی، حزب کمونیست که نمایندگانش ۹۲ کرسی از ۴۵۰ کرسی پارلمان را در اختیار دارند و در خط کرملین حرکت می‌کند، بنری را با تصویر لنین و استالین به‌عنوان پس‌زمینه جلسه عمومی حزب به نمایش درآوردند. در رئیس مطالب کتاب‌های درسی و برنامه‌های تلویزیون دولتی نیز به‌طور خلاصه به موارد نقض حقوق بشر در دوران استالین اشاره می‌شود. پوتین می‌خواهد با افکار عمومی بازی کند، به‌گونه‌ای که از افزایش حس شیفتمندی روس‌ها به استالین استفاده کند، بدون آنکه از حس میهن‌پرستی روسی دور شود. او با احتیاط از استالین تمجید کرده و می‌گوید: «ما می‌توانیم نقدهایی را به فرماندهان، استالین و کسانی مانند او وارد کنیم اما آیا می‌توان باظطیعت گفت اگر در آن زمان رویکرد متفاوتی را در پیش می‌گرفتیم، می‌توانستیم پیروز میدان باشیم؟». اشاره او به مورد جنگ جهانی دوم بود. واقعیت آن است حمایتی که از استالین می‌شود از جنبه منافع لفظی مخاطبان فراتر می‌رود. اما به‌راستی علت افزایش محبوبیت استالین در روسیه چیست؟ مردم کمتروکمتر درباره زندان‌ها و اردوگاه‌های کار او مسائل را به یاد می‌آورد. شاید آن‌گونه که «ایلیا بودراآئینسکیس»، متفکر چپ، باور دارد، استالین و تصویر او تبدیل به پوسته‌ای خالی شده که می‌توان آن را با معانی مختلف پر کرد. آنچه من در پنزا دیدم، استدلال کمونیست‌ها مبنی بر آن بود که از دهه ۹۰ میلادی اقتصاد روسیه وضعیتی را پیدا کرد که به‌مراتب بدتر از دوران کمبودهای شوروی بود. یک راننده تاکسی دست راستی به من گفت شخصیت‌های تاریخی مورد علاقه او، استالین و هیتلر هستند چراکه آنان قادر بودند نظم را در جامعه حفظ کنند. دولت پوتین قادر به سرمایه‌گذاری روی میراث استالین است. دولت در مسکو یک موزه گولاگ را افتتاح کرد اما بسیاری از اردوگاه‌های کار و گورهای دسته‌جمعی در سرتاسر روسیه با بی‌توجهی مواجه شده‌اند. دولت سعی می‌کند تمرکز خود را روی پیروزی‌ها در جنگ جهانی دوم قرار دهد. واقعیت آن است دولت کنونی روسیه نمی‌خواهد اصلاحات را انجام دهد و به‌طور فزاینده به سمت اقتدارگرایی و فساد اداری پیش می‌رود. مدل اقتصاد سرمایه‌داری را می‌پذیرد درحالی‌که دموکراسی و ارزش‌های غربی ازجمله حقوق بشر را نادیده می‌گیرد. شاید در اینجا خوب باشد نقل‌قولی کنم از «ویکتور ارووفی» که پدرش یکی از مترجمان استالین بود. او می‌گوید: زمانی که استالین در روح آخرین روس بمیرد آن‌گاه می‌توان امید داشت روس‌ها آینده‌شان را خواهند ساخت. متأسفانه پوتین از زنده‌ماندن یاد و خاطره استالین در روح روس‌ها خرسند است و می‌خواهد او به حیثش ادامه دهد.

منبع:نیویورک‌تایمز
ترجمه: نوژن اعتضادالسلطنه

یادداشت

روایای دست‌نیافتنی آنکارا

ترکیه در نظر دارد تا یک منطقه غیررسمی حائل را در خاک سوریه ایجاد کند. ترکیه از بازکردن مرزهای خود به سود آوارگان سوری‌ای که از درگیری‌های اخیر در اطراف حلب به مرز ترکیه آمده‌اند، خودداری می‌کند با این استدلال که دیگر توانایی پذیرش آوارگان بیشتر را ندارد و نیازهای انسانی پناهندگان را در اردوگاه‌هایی در داخل خاک سوریه در مرز ترکیه برآورده خواهد کرد. از لحاظ فنی ترکیه توانایی پذیرش پناهندگان بیشتر را دارد اما به‌جای این کار در تلاش است تا حمایت‌های بشردوستانه برای اداره یک اردوگاه نظامی در سوریه را جلب کند. طرح آنکارا این است که درخواست خود برای ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع برای حفاظت از غیرنظامیانی که در این اردوگاه‌های پناهندگان ساکن هستند را بار دیگر تکرار کند. ترکیه درحال‌حاضر هشت اردوگاه در داخل سوریه ساخته است که ۷۷ هزار پناهنده را در خود جای داده‌اند. محافل دولتی بر این باورند که اگر تعداد پناهندگان ساکن در این اردوگاه‌ها به ۴۰۰هزارنفر افزایش یابد، ناتو مجبور خواهد شد یک منطقه پرواز ممنوع ایجاد کند. منطقه پرواز ممنوع در شمال سوریه نه‌تنها ممکن است



از بار سنگین پناهندگان برای ترکیه به‌کاهد بلکه مانع آن می‌شود که حزب حاکم پیام‌های خطرناکی باشند. اگرچه حمایت روس‌ها از کردهای سوری و توصیه به شرکت آنان در مذاکرات اولاً در راستای ایجاد شکاف بین آنکارا-واشنگتن است، ثانیاً باعث می‌شود آمریکایی‌ها در شرایط سختی قرار بگیرند، چراکه اگر مخالفت کنند باعث کاهش اعتماد کردها به واشنگتن می‌شود و اگر موافقت کنند، نوعی خط قرمز آنکارا را نقض کرده‌اند. این‌گونه به نظر می‌رسد که برخی اختلاف‌نظرهای تهران- آنکارا درباره مسائل منطقه و در راستای دفع شرارت‌های تحریک و تقسیم مناطق کردنشین باشد، اما دستگاه‌های دیپلماسی و امنیتی کشورهای ایران- ترکیه- عراق-سوریه باید با نگاهی عمیق‌تر به حوادث جاری بنگرند و با هوشیاری تدابیر پیشگیرانه و به موقع را اتخاذ کنند، چراکه همکاری و هم‌سویی آنان در قبال توطئه بازی بزرگ ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تهران و آنکارا با وجود گذشته رقابتی، دارای تمدن و فرهنگی غنی و نیز هبرانی متعهد و دانا، سیاستمدارانی عاقل و خردمند هستند که قادرند منافع اسلامی ملت‌های خود را حفظ کنند. بنابراین در دوران حساس کنونی، شهروندان کرد از مسئولان ایران و ترکیه انتظار دارند فراتر از روش‌های معمول و عرف دیپلماتیک عمل کنند. نباید فراموش کرد که اگر ذهن‌ها و قلب‌های مسلمانان از همدیگر جدا شوند، دیگر تمامیت ارضی- سرزمینی اهمیتی نخواهد داشت و فراموش نکنیم: سرزمین برای انسان هاست، نه انسان‌ها برای سرزمین. اگر امروز مسائل کردها به فوریت رفع و حل نشوند، در فردای بسیار زود جنگ‌سالاران غربی مدیریت و هدایت‌اکراد منطقه را در دست خواهند گرفت، مسلمانا وظیفه مسئولان به‌ویژه دستگاه‌های سیاسی دو کشور ترکیه و ایران، تعامل، گفت‌وگو و حل مشکلات فیما بین است.

منبع:

منبع:گُردپرس